

تبیین مقام رضا در قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۰

سید جلیل انصار محمدی؛ کارشناس ارشد قرآن و حدیث

چکیده:

این پژوهش می‌کوشد با روش اسنادی - کتابخانه‌ای و پیمایش مراحل سه گانه توصیف، تحلیل و تبیین، مقام رضا را در قرآن کریم مورد واکاوی قرار دهد. در این مقاله ضمن بازشناسی معنای لغوی و اصطلاحی رضا، دیدگاه مفسران و عالمان عرفان و اخلاق درباره اقسام، مراتب و درجات مقام رضا مورد تحلیل قرار گرفته سپس با استفاده از آیات و روایات، راه‌های تحصیل رضوان الهی در قرآن بررسی و در پایان آثار و نتایج مقام رضا عنوان شده است. کلید واژه‌ها: مقام رضا، رضوان، راه‌های تحصیل رضوان الهی، قرآن.

مقدمه

یکی از مقامات بلند معنوی و عرفانی در حرکت و سیر به سوی خداوند توجه به رضوان الله و خشنودی خداوند است. از ارزش‌های اخلاقی برای کمال ایمان و شرافت انسان، راضی بودن به قضای الهی و تسلیم محض بودن در مقابل شداید، بلاها و گرفتاری‌های ناخواسته زندگی است.

در قرآن کریم و روایات به صورت‌های مختلف از اهمیت مقام رضا و تشویق برای کسب رضوان الهی بحث شده است. با توجه به روایات بیان شده از سوی ائمه اطهار علیهم السلام و آیات الهی، خداوند به کسی که به مقام رضا راه یافته، محبتی می‌دهد که با داشتن آن هیچ محبتی را بر محبت خداوند ترجیح نخواهد داد.^۱ رضا از آثار و لوازم محبت پروردگار است؛ زیرا محب هر آنچه را که از محبوب صادر گردد، زیبا می‌بیند. کسی که به مقام رضا نایل گردد، همواره در سرور و بهجت و راحتی به سر می‌برد؛ زیرا به همه چیز به چشم رضایت می‌نگرد و در واقع همه امور بر وفق مراد او پیش می‌رود و در نتیجه از هر غم و اندوهی به دور خواهد بود.

با توجه به منزلت و ارزش این مقام معنوی و عرفانی، نوشتار حاضر با این سؤال اساسی روبه روست که اصولاً جایگاه مقام رضا به عنوان یک مقام معنوی و عرفانی در قرآن چیست و راه‌های تحصیل آن کدامند؟ و در ذیل این سؤال، به برخی سئوالات فرعی پاسخ می‌دهد.

مفهوم شناسی

مقام: مقام بفتح میم و ضم آن مصدر میمی به معنی اقامه و اسم زمان و مکان از قیام است. مُقَام و مَقَام هر دو به معنی اقامت و به معنی جای قیام است؛^۲ زیرا اگر آن را از قام یقوم بدانیم مَقَام و اگر از اقام یقیم بشماریم مُقَام خواهد بود.^۳

همچنین مقام به معنی منزلت نیز بیان شده است ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (رحمن: ۴۶) مقام ربّ همان علم و احاطه و تدبیر و حفظ و مجازات خدا نسبت به بنده‌اش است. چنانکه فرموده: ﴿أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾ (رعد: ۳۳)^۴

در عرفان اسلامی «مقام» را معمولاً در مقابل «حال» به کار می‌برند؛ به طوریکه حال را موهبتی الهی دانسته که بر قلب عارف یا سالک نازل می‌شود و گذرا است و دوام ندارد. در مقابل، مقام، مرتبه‌ای است از مراتب سلوک که در تحت قدم سالک آید و محلّ استقامت او گردد و زوال نپذیرد. از این جهت صوفیان گفته‌اند: «الاحوال مواهب و المقامات مکاسب».^۵

رضا: واژه رضا از ریشه رضی یا رضو^۶ به معنای اختیار کردن و برگزیدن،^۷ خوشدلی، همداستانی و تسلیم آمده است.^۸

کلمه رضا نزد طایفه معتزله به معنی اراده و نزد سالکان، لذت یافتن از بلا معنا شده است.^۹ اهل تصوف رضا را خشنودی کردن به هر چه از قضای الهی به بنده برسد تعریف کرده^{۱۰} و عرفا آن را شادی دل به آنچه پیش آید می‌دانند.^{۱۱}

برخی از عالمان اخلاق با استفاده از آیات و روایات مقام رضا را اینگونه تعریف کرده‌اند: «رضا آن است که شخص به آنچه در زندگی قسمت او می‌شود و از سوی خداوند برای او مقدر می‌گردد، خشنود باشد و برآن اعتراضی نداشته باشد».^{۱۲}

برخی رضا را عبارت از خوشنودی بنده از حق تعالی در همه زمینه‌ها دانسته و بیان نموده‌اند که مرتبه اعلای رضا، بالاترین مرتبه کمال انسانی بوده و از بزرگترین مقامات اهل جذبه و محبت الهی است.^{۱۳}

امام صادق علیه السلام درباره رضا و کسانی که دارای این مقام هستند می‌فرماید: «رضا، جامع تمام معانی بندگیست و تفسیر آن خوشحالی قلبی است در مقابل کارهای خدایی».^{۱۴}

رضوان: رضوان به کسر «راء» و ضم آن، مصدر رضایت است که به معنی رضای زیاد و موافق میل بودن و بالاترین درجه رضا و خشنودی است؛^{۱۵} آن حالتی است که در نفس آدمی هنگام برخورد با چیزی که ملایم طبع اوست پیدا می‌شود و نفس از پذیرفتن آن امتناع نمی‌ورزد.^{۱۶}

اقسام رضا:

رسیدن به «مقام رضا» آن است که انسان به جایی برسد که نه تنها کوشش کند خدا از او راضی گردد، بلکه بکوشد او از «قضا و قدر» خدا راضی باشد. بنابراین، رضا بر دو قسم است:

قسم اول: رضای خداوند از بنده

در این قسم انسان باید بکوشد که خدا از او راضی باشد. رضای خداوند متعال از بنده، خود در صورتی محقق می‌گردد که هیچ‌گونه خلاف و عصیان و انحرافی از آن بنده واقع نگشته و در همه امور خود، موافقت خواسته خداوند متعال را در نظر بگیرد.^{۱۷} این همان معنی واقعی اسلام و تسلیم شدن به خدای سبحان است و تبعیت از دین مرضی الهی، یعنی اسلام، سبب جلب رضای الهی در دنیا و آخرت می‌شود. بدین ترتیب، اگر کسی اسلام را بپذیرد و متّصف به یکی از این صفات نیک گردد یا یکی از این امور پسندیده را انجام دهد، گفته می‌شود: خدا از او راضی است.^{۱۸}

لازمه رضای خداوند از بنده این است که نفس از تمامی مراتب کفر و از اتصاف به فسق پاک باشد و وقتی نفس بنده، دارای ذلت عبودیت شد و آنچه را که به چشم و دل خود درک نمود، همه را مملوک خدا و خاضع در برابر او دانست قهرا خدا از او خشنود می‌شود.^{۱۹}

قسم دوم: رضای بنده از خداوند

در این قسم انسان می‌کوشد از قضا و قدر الهی راضی باشد؛ یعنی هر چه خدا انجام می‌دهد او بپسندد و به آن رضا بدهد. رضایت بنده از خدای تعالی وقتی محقق می‌شود که هر امری را که خدا از او خواسته کراهت نداشته باشد و هر چیزی را که او نهی کرده و از بنده‌اش نخواستہ دوست نداشته باشد و این محقق نمی‌شود مگر وقتی که بنده به قضای الهی و کارهای تکوینی او راضی و همچنین به حکم او و آنچه را که تشریحاً از وی خواسته تن در دهد و به عبارت دیگر در تکوین و تشریح، تسلیم خدا شود.^{۲۰}

در کتاب قوت القلوب آمده است: هر که رضای خود از خدا را نیکو گرداند و به نیکی از خدا راضی گردد، خداوند، پاداش این کارش را رضایت خود از او قرار می‌دهد.^{۲۱} پس رضا در مقابل رضا قرار می‌گیرد و این عالی‌ترین پاداش و عطایی است که خداوند به بنده خود می‌دهد. همچنین مرحوم خواجه نصیر در رساله اوصاف الاشراف نوشته: «رضای خداوند از بنده‌اش آنگاه حاصل می‌شود که رضای بنده از خدای بزرگ حاصل شود».^{۲۲}

امام سجاد علیه السلام پس از آنکه از خداوند درخواست می‌کند دلش را به محبت خالصانه به خویش زینت دهد و ایشان را در شمار دوستان خالصش قرار دهد، می‌فرماید: «رَضَيْتَهُ بِقَضَائِكَ».^{۲۳}

به طور کلی می‌توان گفت میان رضایت خدا از بنده با رضایت بنده از خدا، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و بنده آن‌گاه می‌تواند به رضایت خدا از خویش مطمئن شود که وقتی به قلب خویش مراجعه می‌کند، آن را از خدا راضی بباید. در واقع، شرط اصلی رضایت خدا از بنده، رضایت بنده از خداست. چنانکه امیرالمومنین علیه السلام نیز بر این موضوع تصریح و تأکید دارند و فرموده‌اند: «نشانه رضایت خدای سبحان از بنده، رضایت بنده از آن چیزی است که خداوند برای او مقدر کرده است؛ چه خوشایند او و چه ناخوشایند او باشد.»^{۲۴}

مراتب و درجات رضا

رضا همانند بسیاری از کمال‌های انسانی درجات متعددی دارد که برخی از آنها بهره‌مندیان و بعضی نصیب متوسطان و مقداری از آن نیز حظّ متتهیان و آوحدی از سالکان می‌شود. نیل به مقام «رضا» ممکن است از «راضی» بودن شروع و در میانه راه به «مرضی» خدا شدن و در نهایت به مرتضی بودن پایان پذیرد.^{۲۵}

الف) راضی بودن: اگر انسان مقام اطمینان که ذکر، تنها وسیله رسیدن به آن معرفی شده را بگذراند، به مقام رضا می‌رسد و آنچه خدا به او می‌دهد یا از او می‌گیرد، برایش لذت‌بخش و رضایت‌آور است. نه تنها نعمت‌های خدا برای او بهجت‌آفرین است، بلکه از مصیبت‌ها و بلاهای او نیز لذّت می‌برد.^{۲۶} در این مرحله که پایین‌ترین درجه رضاست شخص بلا را درک می‌کند و دردش را احساس و میل و رغبت به آن پیدا می‌کند. چون وقتی در ثمره و نتیجه بلا، تعقل می‌نماید عقلش او را وامی‌دارد که به بلا، اشتیاق پیدا کند؛ برای این که به ثواب خداوند متعال نایل گردد و نزد خداوند متعال تقرب جوید و این قسم رضا، رضای متّین است.^{۲۷}

اگر سالک به مرحله راضی بودن برسد، هنوز مقداری از راه و منازل بین راه می ماند؛ زیرا در مرحله راضی بودن طبع سالک محفوظ است. بنابراین، هنوز طبع و میلی از او در بین هست و این با سیر تام هماهنگ نیست. پس باید از این مرحله، بالاتر رفت که دیگر خواسته‌ای برای سالک وجود نداشته باشد.^{۲۸}

ب) مرضی بودن: اگر مقام رضا را بگذرانند، مرضی خدا خواهد بود. خصوصیت این مقام این است که اولاً، با رضایت دادن و تسلیم قضای الهی بودن حاصل می شود.^{۲۹} خدای سبحان در پاسخ کلیم خود که درخواست کرد «مرا به رضای خود ره بنما» فرمود: «إِنَّ رِضَايَ فِي رِضَاكَ بِقَضَائِي». ^{۳۰} این مقام برای کسی حاصل می شود که به این پایه از معرفت رسیده باشد که هرچه خداوند برای بنده خود عطا می کند و پیش می آورد، برای تربیت اوست.

ثانیاً، برتر از هر نعمت مادی و معنوی است. قرآن کریم پس از شمارش نعمت‌های بهشتی: ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ﴾ می فرماید: رضوان الهی بالاتر از این نعمت‌هاست: ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (توبه: ۷۲) خدایی که دنیا را اندک می داند: ﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ (نساء: ۷۷)، رضایت الهی را بزرگ و بزرگ‌تر می شمارد. لذا در پایان آیه یاد شده می فرماید: رستگاری و کامیابی بزرگ، دستیابی به رضوان الهی است: ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۷۲) از این رو وقتی که خداوند در بهشت بر بهشتیان تجلی می کند و به آنها می گوید: هرچه می خواهید از من طلب کنید، بهشتیان می گویند: «جز رضای تو مطلوبی نداریم».^{۳۱}

روشن است کسی که نائل به مقام طمأنینه تام شده و به منزلت رضای به قضای تکوینی و تشریحی صعود کرده باشد، حتماً منصب والای مرضی بودن را دارا

خواهد بود؛ زیرا کسی که دارای مقام رضاست، خداوند یقیناً از او راضی است ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ (بینه: ۸) کسی که به اضلاع سه‌گانه این مثلث مبارک، یعنی نفس مطمئنه داشتن، راضی به قضای الهی بودن، مرضی خداوند شدن، دست یابد؛ در زمره بندگان خاص و بهشت مخصوص قرار می‌گیرد.^{۳۲}

ج. مرتضی بودن: «مرتضی» اسم مفعول باب افتعال است. ثلاثی مجرد آن «رضی» به معنای راضی شدن و خشنود گشتن می‌آید. بعضی از لغت پژوهان معنای «إرتضی» را همان معنای ثلاثی مجرد آن دانسته، و بین این دو فرقی نگذاشته‌اند.^{۳۳} اما برخی دیگر از آنان گفته‌اند: «إرتضی» معنای اضافه‌ای را دربردارد که همان رضایت اختیاری داشتن نسبت به امری است.^{۳۴}

گاهی انسان به امری رضایت می‌دهد؛ اما در نهان خود از آن کراهت دارد؛ مانند کسی که از روی اضطرار و نیاز، متاع مورد علاقه‌اش را می‌فروشد. در اینجا می‌گویند: «رضی بالبیع»؛ به فروختن راضی شد؛ اما اگر نسبت به چیزی هیچ کراهتی نداشته باشد و از صمیم قلب پذیرای آن امر گردد، می‌گویند: «إرتضی». بدین معنا که واژه ارتضا در رساندن رضای کامل‌تر به کار می‌رود. بنابراین، مرتضی بودن، بالاتر از مرضی بودن است.^{۳۵}

سالک مطیعی که خدا را به خدایی می‌پسندد و به قضا و قدر او راضی می‌شود به مقام رضا نیز می‌رسد، یعنی هم راضی از خداست و هم مرضی خدا: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (مجادله: ۲۲) آن گاه خدا او را برای آشنایی بر اسرار غیب می‌پسندد و مرتضای او در آگاهی یافتن از حقایق هستی خواهد شد: ﴿إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ (جن: ۲۶ و ۲۷)^{۳۶}

پس باید گفت معیار آگاهی یافتن بر غیب، مرتضای خدا بودن است: ﴿إِلَّا مَنْ ارْتَضَى﴾ و بس. امام رضا علیه السلام با استشهاد به همین آیه فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتضی و پسندیده نزد اوست و ما وارثان همان رسولی هستیم که خدا او را بر هر چه از غیب که خودش خواست، آگاه کرد».^{۳۷}

تعبیر قرآن از رضای خداوند

در قرآن کریم رضای الهی به رضوان تعبیر شده است. ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (توبه: ۷۲). کلمه رضوان به کسره راء و هم به ضمه آن به معنای بالاترین درجه رضا و خشنودی است^{۳۸} و چون بزرگترین رضا، خشنودی خدای تعالی است، واژه رضوان در قرآن به هر چه که از اوست اختصاص یافته است.^{۳۹} رضوان الهی مقامی نیست که هر کس بتواند آن را آرزو کند؛ زیرا مقدار آرزوی هر کس به اندازه ادراک و اندیشه اوست و رضوان خدا در حیطه دعا و آرزو نیست.^{۴۰}

علامه طباطبایی می‌نویسد: «مقام رضوان الهی، به گونه‌ای است که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را به درستی درک کند؛ چون رضوان خدا محدود نیست تا اندیشه انسان بدان راه یابد».^{۴۱}

خوبان تلاششان این است که به بهشت ابدی خدا راه یابند. به باور آنها بهشت بالاترین و دل‌نشین‌ترین موهبتی است که خداوند به بنده خوب و پرهیزکارش عطا می‌کند. در حالی که از نگاه قرآن بالاتر از نعمت بهشت، موهبت رضوان یا همان رضای خداوند از بنده خویش است. خداوند در آیه ۷۲ سوره توبه پس از برشماری نعمت‌های بهشتیان در پایان آیه می‌فرماید: ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ رضای الهی از نعمت بهشت بالاتر است. خداوند سبحان در این آیه رضوان الهی را مطرح می‌فرماید که نمونه دنیایی ندارد.^{۴۲}

مرحوم علامه در تفسیر المیزان اظهار داشته‌اند که معنای آیه شریفه ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ این است که خشنودی خدا از همه حرف‌ها بزرگتر و ارزنده‌تر است. چون واژه اکبر در آیه صفت عالی است و از همه برتر و بالاتر است و اگر رضوان را نکره آورده شاید برای فهماندن این نکته بوده که کمترین رضوان خدا هر چه هم کم باشد از این بهشت‌ها بزرگتر است، منظور از «حرف‌ها»، نعمت‌های پایدار الهی است که بندگان خدا وقتی به درجه‌ای از معرفت می‌رسند اگر بدانند در آن مرحله خداوند از آنها راضی است، همین مقام رضایت خداوند از بندگان برایشان از بهشت و نعمت‌های جاوید برتر است.^{۴۳}

وقتی انسان به مقامی برسد که خداوند از او خشنود شود و وی نیز از قضا و قدر خداوند خشنود گردد در حقیقت به مقام «رضوان» دست یافته است. بنابراین، از بلندپایه‌ترین مقام‌های بهشتیان رسیدن به مقام «رضوان» است که جایگاه آن در بهشت عدن است.

راه‌های تحصیل رضوان الهی

تحصیل رضای الهی، میدان وسیعی است که همه انسان‌ها، حتی معصومان علیهم السلام در آن، امکان پیشروی دارند. اساساً خط سیر زندگی ائمه اطهار علیهم السلام جز تحصیل رضای خدا نیست. قرآن کریم، انگیزه حضرت علی علیه السلام از عمل شجاعانه‌اش در «لیلة المبيت» را جلب رضای خدا می‌داند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۰۷). امام حسین علیه السلام در آغاز سفر عاشقانه‌اش به سوی کربلا، در کنار قبر جد بزرگوارش صلی الله علیه و آله با توسل به آن مضجع شریف از خداوند می‌خواهد که راه رضای خود و رضای رسول

مرتضایش را در پیش پای وی بگذارد.^{۴۴} هرکس در احیای دین و امور دینی، تلاش افزون‌تری کند، سهم بیشتری در تحصیل رضای خدا خواهد داشت.

راه‌های تحصیل رضوان الهی مطابق با آیات قرآنی

الف) ایمان توأم با عمل

آنچه انسان را در مسیر «قرب الی الله» به پیش می‌برد و روح او را به خدا نزدیک می‌گرداند «عمل صالح» است. «ایمان» و «عمل صالح» دو امری است که خدای متعال شرط رسیدن به کمال و سعادت بشر دانسته است و «رضایت خداوند» را در پی دارد.

خدای متعال در آیه هشتم سوره بینه می‌فرماید: «کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات هستند. خدا از آنها خشنود است و آنها [هم] از خدا خشنودند». چنان‌که در بعضی دیگر از آیات، ایمان به تنهایی شرط سعادت و دخول در بهشت معرفی شده که در یکی از روشن‌ترین آنها می‌فرماید: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۷۲)

این آیه، ضمن برشمردن همه نعمت‌های بزرگ خداوند برای مومنین، در پایان به نعمت و پاداش معنوی آنها اشاره کرده می‌فرماید: «رضایت و خشنودی خدا که نصیب این مؤمنان راستین می‌شود از همه برتر و بزرگتر است». به این علت خدا ایشان را به چنان بهشتی که گفته شد در می‌آورد که از ایشان راضی بوده است و رضایت خدا عبارت است از رحمت او که مخصوص افرادی است که در ایمانشان به خدا خالص باشند.^{۴۵}

در آیه صد سوره توبه خداوند پس از ذکر گروه سه‌گانه مهاجرین، انصار و تابعین می‌فرماید ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾. رضایت خدا از آنها به خاطر ایمان و

اعمال صالحی است که انجام داده‌اند و خشنودی آنان از خدا به خاطر پاداش‌های گوناگون و فوق العاده و پر اهمیت است که به آنان ارزانی داشته، بنابراین هم خدا از آنها راضی است و هم آنان از خدا راضی هستند.

علامه طباطبایی حکم رضایت خدا در آیه مورد بحث را مقید به ایمان و عمل صالح دانسته، به این معنا که خدای سبحان از مهاجر و انصار و تابعین کسی را مدح کرده که ایمان به خدا و عمل صالح داشته‌اند و خبر می‌دهد از اینکه از اینگونه افراد مهاجر و انصار و تابعین راضی است و برای آنان بهشت‌هایی که در دامنه‌هایش نهرها جاری است آماده کرده است.^{۴۶}

در آیات فوق ملاک رضایت الهی، ایمان و عمل صالح بیان شده است. مرتبه رضای الهی به مرتبه ایمان و عمل صالح وابسته است. هر چه ایمان انسان کامل‌تر و عمل او صالح‌تر باشد خداوند بیشتر از او رضایت دارد. بر این اساس بین ایمان و عمل صالح بنده و رضایت الهی تلازمی وجود دارد.

(ب) پیروی از حق

هدف کلی دین و انسان در زندگی قرب به خداوند است. بنابراین هر عملی که بتواند انسان را به خداوند نزدیک کند، عملی است که به طور قطع مورد رضا و پذیرش خداوند واقع شده است. رضایت خداوند تعالی مراتبی دارد که رتبه‌های آن وابسته به اطاعت و درجات بندگی بندگان نسبت به خدای سبحان است.

قرآن کریم یکی از علامت‌های مؤمنان را پیروی و اطاعت از رضوان الهی دانسته است: ﴿وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل عمران: ۱۷۴) و آن مراعات رضای الهی در رفتار و گفتار بر اساس آموزه‌های دین و شریعت حق، عمل به طاعات و دوری از معصیت و عمل به اموری است که موجب خشنودی خدا باشد.

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند: «رَضِيَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَقْرُونٌ بِطَاعَتِهِ»^{۴۷} رضایت خدای سبحان با فرمان‌برداری از او همراه است. در این روایت شرط رضایت خدای سبحان اطاعت از او بیان گردیده است. در روایتی دیگر از ایشان آمده است: «هرگز خدا را نسبت به بهشت جاویدانش نمی‌توان فریفت و جز با فرمان‌برداری از او رضایت او را نمی‌توان به دست آورد».^{۴۸}

در سوره آل عمران آیه ۱۷۲ بعد از آن که اطاعت از رهبری محور جلب رضایت خدا معرفی شده، هشدار می‌دهد که خداوند از مجاهدان و مؤمنانی خوشنود است که در تمامی عرصه‌های زندگی از جمله جنگ، دعوت خدا و رسولش را با جان و دل پذیرا باشند.

ج) صداقت و راستگویی

راست‌گویی از اعمال نیک و پسندیده انسانی بوده و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش هماهنگ و ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند.

خداوند در آیه ۳۵ سوره احزاب به ده گروه از مردم بشارت مغفرت و پاداش عظیم می‌دهد و چهارمین آنها را صادقین و صادقات می‌شمرد، یعنی بعد از اسلام، ایمان و اطاعت فرمان خدا سخن از صدق و راستی به میان می‌آورد و نشان می‌دهد که تا چه حد این فضیلت اخلاقی چه در مردان و چه در زنان واجد اهمیت و مهم است.

در آیه ۱۱۹ سوره مائده صداقت و راستگویی در عمل و گفتار نشانه رضایت خداوند ذکر شده است. ﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.

مراد از (صدق صادقین) صداقت ایشان در دنیا است نه در آخرت؛ چون آن بهشت‌ها، پاداشی است از طرف خدای تعالی در برابر صداقت ایشان در دنیا، پس صادقین در دنیا، در آخرت از بهشت‌های جاودان بهره‌مند می‌شوند و برای آن صدقاتی که در دنیا از خود نشان دادند، خداوند از آنها خشنود است و آنها هم از خدا خشنود هستند و این منتهی درجه سعادت برای انسان از جهت بندگی اوست.^{۴۹}

(د) حزب خدا بودن

مقام رضوان که از برجسته‌ترین منازل سالکان کوی الهی است، بهره کسی خواهد بود که عضو ویژه حزب خدا باشد. در دو آیه از قرآن مجید اشاره به «حزب الله» شده است. در هر دو مورد که از حزب خدا سخن می‌گوید روی مساله حب فی الله و بغض فی الله و ولایت اولیای حق تکیه کرده است. در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده بعد از بیان مساله «ولایت» و حکم به وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول و آن کس که در حال نماز زکات پرداخته (امیر مؤمنان علی علیه السلام) می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ در این آیات، سه ویژگی مهم و اساسی: ایمان به خدا، ایمان به رسول او و ایمان به ائمه علیهم السلام برای حزب الله اثبات شده است.^{۵۰}

آنچه از آیه ۲۲ سوره مجادله، به دست می‌آید، این است که حزب اللهی‌ها کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند، یعنی ایمان از ویژگی‌های حزب

اللّه محسوب می‌شود. در این آیه شریفه به دو ویژگی دیگر حزب الله یعنی ایمان به آخرت و بیزاری از دشمنان خدا و مجاهده با آنان تصریح شده است.^{۵۱} از مجموع دو آیه چنین استفاده می‌شود، آن جا که قرآن از حزب خدا، سخن به میان آورده، روی مسئله حب فی الله و بغض فی الله و ولایت اولیای حق تکیه کرده است. در آیه دوم نیز، بر روی مسئله قطع رابطه دوستی از دشمنان خدا، تکیه می‌کند؛ بنابراین خط حزب الله همان خط ولایت و بریدن از غیر خدا و پیامبر و اوصیای او است.

در سوره فتح نیز وقتی موضوع بیعت رضوان مطرح می‌شود، ملاک رضایت و خشنودی خدا از شرکت کنندگان در آن بیعت، اطاعت محض از رهبری بیان می‌گردد. ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ (فتح: ۱۸) چنان که از این آیات برداشت می‌شود، خداوند برای کسانی که عشق او را بر همه چیز مقدم شمرند، دوستان او را دوست بدانند و دشمنان او را دشمن، پنج پاداش بزرگ مقرر داشته است. نخستین موهبت، استقرار و ثبات ایمان آنها است، سپس تایید و تقویت ایمان و در مرحله سوم آنها را در حزب خویش جای می‌دهد و بر دشمنان پیروز می‌سازد. در آخرت نیز بهشت جاویدان با تمام نعمت‌هایش در اختیار آنها قرار می‌دهد و علاوه بر آن، خشنودی مطلق خویش را از آنان اعلام می‌دارد.^{۵۲}

ه) جهاد در راه خدا

از جمله مواردی که به عنوان راه‌های تحصیل رضوان الهی در قرآن کریم بیان شده، هجرت و جهاد در راه خداست که در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره توبه به آن اشاره شده است. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ در این آیه ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت بیان شده و

این‌ها به افتخار بزرگی نائل شده‌اند. ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ در آیه بعد می‌گوید خداوند سه موهبت بزرگ در برابر این سه کار مهم (ایمان، هجرت و جهاد) به آنها عطا می‌کند ﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ نَعِيمٍ﴾ (توبه: ۲۱) رحمت گسترده الهی، رضایت و خشنودی الهی، بهشت‌هایی با نعمت‌های دائمی. از ظاهر آیه برمی‌آید که رحمت و رضوان و جنتی که می‌شمارد، بیان همان رستگاری است که در آیه قبلی بود و در این آیه به طور تفصیل و به زبان بشارت و نوید آمده است. ۵۳

آثار و نتایج مقام رضا

برخورداری از مقام رضا و بهره‌مند بودن از این فضیلت عالی اخلاقی باعث به وجود آمدن آثار و فواید فراوانی در زندگی دنیوی و اخروی می‌شود. از جمله ثمرات رضا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) آثار اخروی

۱. رسیدن به سعادت و رستگاری

فوز در فرهنگ دینی آن است که انسان با بهره‌گیری از نعمت‌های خدا و عمر خویش بتواند سعادت جاودانه را که کامیابی آخرت و بهشت است به دست آورد. ۵۴

خداوند در سوره مائده آیه ۱۱۹ و سوره توبه آیه ۱۰۰ رستگاری و سعادت حقیقی انسان را تنها در پرتو دستیابی به رضا و خشنودی خداوند معرفی و می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ خدای تعالی درباره حال بندگان مرضی خود در بهشت فرموده: ﴿لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ﴾ (زمر: ۳۴) معلوم است که وقتی

انسان به هر چه که بخواهد بتواند دسترسی پیدا کند البته راضی خواهد شد. این است منتها درجه سعادت برای آدمی از نظر اینکه بنده است و لذا خدای تعالی کلام خود را به همین معنا پایان داده و فرموده: ﴿وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ این است سعادت و رستگاری عظیم.^{۵۵} در جای دیگر قرآن کریم به افرادی که ایمان آورده و در راه خدا جهاد و هجرت می‌کنند رضوان الهی را بشارت داده و فرموده است که این‌ها به افتخار بزرگی که همان سعادت و رستگاری است نائل می‌شوند. ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (توبه: ۲۰)

۲. رسیدن به بهشت عدن و برترین نعمت‌ها

انسانی که به مقام رضا برسد و همه چیز و همه کس را از خداوند بداند و از قضا و قدر الهی راضی باشد، خداوند او را در بهشت عدن یا جنة اللقا که فوق بهشت و مقام بهشتیان متوسط و متعارف است منزل می‌دهد. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ...﴾ (توبه: ۷۲)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره بهشت عدن می‌فرماید: «عدن خانه خداوند است. خانه‌ای که نه چشمی آن را دیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است، خداوند می‌فرماید: خوشا به حال کسی که داخل این بهشت گردد».^{۵۶}

با اینکه می‌دانیم قرآن مقام و مرتبه رضا و خشنودی خداوند را نسبت به بسیاری از مقام‌ها برتر به شمار آورده است؛ ولی نعمت‌ها و لذت‌های بی‌نهایت که روشنی بخش دل و دیده است به مراتب باید برتر از مقام رضا باشد و این خود می‌تواند یکی از ثمرات و آثار مقام رضا باشد.^{۵۷}

۳. همنشینی با اولیا الهی

همنشینی با پیامبران و اولیای الهی حاصل و ثمره دیگر مقام رضا است. در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که به «خلاده» بشارت بده که او در بهشت با تو همنشین خواهد بود. حضرت داود به طرف خانه او رفت و به وی گفت: خداوند متعال فرموده که تو در بهشت با من همنشین خواهی بود و اکنون من آمده‌ام که به تو مژده دهم. حضرت داود گفت: به من خبر ده که در باطن تو چه هست که این گونه مورد توجه قرار گرفته‌ای. خلاده گفت: هر مصیبتی که بر من وارد شود و هر دردی که مرا فرا گیرد در همه آنها صبر می‌کنم. من از خداوند درخواست نمی‌کنم آن مشکلات و شدائد را از من برطرف کند تا آنگاه که خداوند آنها را از من رفع سازد و مرا به عافیت و رفاه برساند. حضرت داود گفت: از همین جا به چنین مقامی رسیده‌ای و این همان خصلتی است که موجب شده همنشین پیامبر خدا شوی».^{۵۸}

آثار دنیوی

۱. آرامش روحی و روانی

آرامش گوهری نایاب و مهم‌ترین نیاز انسان است که نقش بسیار مهمی در سعادت و سلامت روحی او و جامعه دارد. انسان همواره در جستجوی آرامش است و برای به دست آوردن آن تلاش می‌نماید.

خداوند در قرآن، به صورت زیبایی موضوع آرامش را بیان نموده و عوامل مؤثر بر آرامش روح و روان را به انسان‌ها معرفی نموده است ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ

بَذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا يَذْكُرَ اللَّهُ﴾. (رعد: ۲۸)

اگر قلبی با یاد خدا انس بگیرد و به آنچه خدا به او موهبت و برایش مقدر کرده، راضی و اهل اعتراض نباشد و در نتیجه، از حرص و زیاده خواهی به دور باشد و به این نکته نیز توجه داشته باشد که زمام امور، فقط به دست خداست، در قلب خویش احساس آرامش ژرف می‌کند و در پی آن، احساس لذتی معنوی، وجودش را فرا می‌گیرد و از هرگونه نگرانی و تشویش رها می‌شود و اطمینان و آرامش می‌یابد.^{۵۹}

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «راضی باش تا راحت باشی».^{۶۰} خواجه نصیرالدین طوسی در این باره می‌نویسد: «کسی که دارای مقام رضا است، همیشه در آسایش است؛ چرا که او را بایست و نبایست نباشد، بلکه در همه حال، راضی باشد».^{۶۱} این عبارت نشان می‌دهد که آسایش روح و روان در پرتو رضای الهی و تعهد به رضای الهی فراهم می‌شود.

۲. دور شدن از عجب و خود پسندی

از جمله ثمرات و نتایجی که مقام رضا برای انسان به ارمغان می‌آورد، دور شدن از عجب و خود پسندی است. انسان اگر بداند چرا و برای چه آفریده شده و آفریننده و شکل‌دهنده او کیست، به دام فخر فروشی و خودپسندی نمی‌افتد. پس اگر انسان از جهل خود بیرون آید، جایی برای عجب هم نخواهد بود.

طالب رضای خدا که به قضا و قدر الهی راضی و همه چیز را از خدا می‌داند و همواره متوجه مقدرات الهی است از خودپسندی به دور است و همیشه از خود گله‌مند است و خود را مقصر می‌داند. اگر کسی از خود راضی باشد و خود را بنده‌ای بی‌عیب بداند خدای متعال از او راضی نخواهد بود. از حضرت لقمان نقل شده است که به فرزندش فرمود: «ای پسر! کسی که رضای الهی را می‌خواهد، بر

نفس خویش بسیار خشمگین می‌شود و همیشه خود را مقصر می‌داند و کسی که از خود گله‌مند نباشد خداوند از او راضی نمی‌شود.^{۶۲}

۳. هدایت در دنیا

هدایت و ضلالت در بسیاری از آیات قرآن به خداوند نسبت داده شده است. هدایت خاص که همان توفیق رحمانی یا رساندن به هدف است، هر چند زمینه‌های آن را خود انسان با استفاده از هدایت عام الهی ایجاد می‌کند؛ اما در قرآن به خداوند نسبت داده می‌شود: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾ (مائده: ۱۶) خداوند در این آیه شرط کرده که تنها کسانی را به وسیله قرآن و پیامبر هدایت می‌کند که در پی خوشنودی خدا باشند. هدایت به راه‌های سلامت و سعادت، در گرو کسب رضای خداست و هر کس در پی راضی کردن غیر او باشد، در انحراف است لذا مراد از هدایت در اینجا رساندن به مقصد است نه به معنای نشان دادن راه.^{۶۳} از این آیه استنباط می‌گردد کسی که دارای مقام رضا و طالب خوشنودی و رضوان الهی باشد مهم‌ترین ثمره و نتیجه آن این است که خداوند او را در دنیا مورد هدایت خاص خود قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

۱. رضا به معنای خوشنودی و ثمره محبت انسان به ذات اقدس الهی است. اگر چنین معرفتی به خداوند با محبت همراه شود، رضایت از قضای خداوند حاصل می‌شود و اگر انسان به آن مرحله برسد که واقعاً تسلیم محض پروردگار باشد و صبر و پایداری در برابر مشکلات در او مشاهده شود، می‌توان به معنا و مفهوم رضای الهی رسید.

۲. مقام رضا به رضایت خداوند از بنده و رضایت بنده از خداوند تقسیم می‌گردد که هر دو قسم از منازل سیر و سلوک است و بین آن دو ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بدین گونه که نشانه راضی بودن خداوند از بنده این است که بنده از خداوند راضی باشد.

۳. رضا همانند بسیاری از کمالات انسانی درجات و مراتب متعددی دارد که نیل به این مقام ممکن است از «راضی» بودن شروع و در میانه راه به «مرضی» خدا شدن و در نهایت به مرتضی بودن پایان پذیرد.

۴. در قرآن کریم رضای الهی به رضوان تعبیر شده است. رضوان واژه‌ای است که نسبت به سایر مقامات معنوی، مقام والاتری دارد و دلیل آن، آیه شریفه ۷۲ سوره توبه است که می‌فرماید: در بین تمام مقاماتی که انسان می‌تواند در دستگاه الهی و در تقرب به خداوند کسب کند، مقام رضوان فوق آن‌هاست. (رضوان من الله اکبر) ۵. تحصیل رضای الهی، میدان وسیعی است که همه انسان‌ها، در آن، امکان پیشروی دارند. بنابراین رسیدن به مقام رضا از دیدگاه قرآن نتیجه ایمان و معرفت یقینی به خداوند، صداقت در گفتار، اطاعت و پیروی از حق و رضایت از قضا و قدر الهی است که سالکان کوی حق برای رسیدن به مقام رضوان الهی تلاش کرده و اراده محبوب را بر اراده خویش مقدم می‌دارند.

۶. از لابه لای آیات قرآن کریم برای انسانی که به مقام رضا دست یافته آثار و نتایج مثبتی در زندگی دنیوی و اخروی می‌توان کشف نمود که برخی از آنها عبارتند از: رسیدن به سعادت و رستگاری، رسیدن به بهشت عدن و برترین نعمت‌ها، همنشینی با اولیای الهی، آرامش روحی و روانی، دور شدن از عجب و خود پسندی، هدایت در دنیا.

پی نوشت ها:

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸.
۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۹۱.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۲۹، ص ۱۹۸۴.
۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۵۲.
۵. کاشانی، عزالدین، مصباح الهدایه، ص ۱۲۵.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۴۰۲.
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، ص ۴۶۳.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۸، ص ۱۲۱۲۱.
۹. فاروقی حنفی، محمد بن علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ص ۸۶۵.
۱۰. رامپوری، غیاث الدین، غیاث اللغات، ص ۴۰۹.
۱۱. قشیری، ابوالقاسم، الرساله القشیریة، ص ۳۰۷.
۱۲. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، ص ۸۶ - قشیری، ص ۳۰۶ - طوسی، ص ۱۶۱.
۱۳. موسوی خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۶۲.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفوائد، ص ۲۰۴.
۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۸.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۳، ص ۱۶۷.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۱۱، ص ۳۷۸.
۱۸. همان، ج ۲، ص ۳۱۰.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۳۶۲.
۲۰. همان، ج ۹، ص ۵۱۰.
۲۱. الحارثی، محمد بن علی، قوت القلوب فی معامله المحبوب، ج ۲، ص ۶۴.
۲۲. طوسی، خواجه نصیر الدین، اوصاف الاشراف، ص ۱۶۱.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸.
۲۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۴.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، ادب فئای مقربان، ج ۶، ص ۲۳۶.
۲۶. همان، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفوائد، ص ۲۱۵.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۱۱، ص ۳۸۴.
۲۹. همان، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۲۱۹.
۳۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفوائد، ص ۱۹۹.
۳۱. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۲۱۸.
۳۲. همان، سروش هدایت، ج ۴، ص ۱۳۸.
۳۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۲۲۹.
۳۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵۴.
۳۵. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۱۸۴.
۳۶. همان، ج ۳، ص ۴۱۳.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۷۵.
۳۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۱۸۸.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۷۹.
۴۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۴۴.
۴۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۹، ص ۴۵۶.
۴۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۴۳.
۴۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۹، ص ۴۵۶.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.
۴۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴۲.
۴۶. همان، ج ۹، ص ۵۱۰.
۴۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۲.
۴۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹.
۴۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۳۵۹.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۷۳.
۵۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴۰.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۷۵.
۵۳. همان، ج ۷، ص ۳۲۴.

۵۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۵۶.
۵۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۳۶۲.
۵۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۵۴.
۵۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۵، ص ۲۳۲.
۵۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸، ص ۸۹.
۵۹. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۲۱۸.
۶۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۹۴.
۶۱. طوسی، خواجه نصیر الدین، اوصاف الاشراف، ص ۱۶۱.
۶۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۸.
۶۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۵، ص ۳۹۹.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء، چاپ اول.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء، چاپ اول.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (مراحل اخلاق در قرآن)، قم، نشر اسراء، چاپ سوم.
۷. جوادی آملی، عبدالله، سروش هدایت، قم، نشر اسراء، چاپ اول.
۸. حارثی، محمد بن علی، قوت القلوب فی معامله المحبوب، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۲. رامپوری، غیاث الدین، غیاث اللغات، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفوائد، ترجمه حسین جناتی، قم، انتشارات روح، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۷. طوسی، خواجه نصیر الدین، اوصاف الاشراف، تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۸. فاروقی حنفی، محمد بن علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۲۰. قشیری، ابوالقاسم، الرساله القشیریه، ترجمه ابوعلی عثمانی، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲۱. کاشانی، عزّ الدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح و مقدمه جلال الدین همایی، تهران، نشر هما، چاپ اول، بی تا.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۲۶. موسوی خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم، موسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

